

Sociological Analysis of Family Support Functions in War Crises by Applying Quranic Concepts

Somayeh Haji Esmaeili

Assistant Professor, Research Institute for Women and Family,
Qom, Iran

Email: esmaeili@wfrc.ir

Abstract

War is one of the most severe social crises that disrupts the institutional order of society and the psychological and social security of individuals. In such circumstances, the family, as the first and most stable social institution, plays an important role in supporting its members and rebuilding social cohesion. The main issue of this research is to explain how the family can maintain and strengthen its support functions in war situations and what role Quranic concepts play in explaining these functions. Using the theoretical-conceptual analysis method and an interdisciplinary approach, this research examines the functions of the family in war crises based on sociological concepts and Quranic teachings. The findings show that Quranic concepts such as serenity, affection and mercy, patience, cooperation, and benevolence provide a semantic framework for strengthening the support functions of the family and maintaining social continuity.

Keywords: family, war, social resilience, tranquility, affection and mercy.

التحليل السوسيولوجي للوظائف الداعمة للأسرة في أزمات الحروب تطبيقاً بالمفاهيم القرآنية

سمية حاجي إسماعيلي

أستاذ مساعد، معهد بحوث المرأة والأسرة، قم، إيران.

البريد الإلكتروني: esmaeili@wfrc.ir

الملخص

تعدّ الحرب من أشدّ الأزمات الاجتماعية التي تؤدي إلى اضطراب النظام المؤسسي للمجتمع و زعزعة الأمن النفسي والاجتماعي للأفراد. وفي مثل هذه الظروف، تؤدي الأسرة بوصفها المؤسسة الاجتماعية الرائدة وأكثرها استقراراً دوراً مهماً في دعم أفراد وإعادة بناء التماسك الاجتماعي.

يتمحور هذا البحث في بيان مدي قدرة الأسرة بالحفاظ على وظائفها الداعمة وتعزيزها في ظل ظروف الحرب، واستخلاص دور المفاهيم القرآنية في تفسير هذه الوظائف و توضيحها. يعتمد البحث على منهج التحليل النظري. يتناول دراسة وظائف الأسرة في أزمة الحروب استناداً إلى المفاهيم السوسيولوجية والتعاليم القرآنية.

و تظهر نتائج البحث أن المفاهيم القرآنية، مثل السكينة، والمودة والرحمة، والصبر، والتعاون، والإحسان، توفر إطاراً دلائلياً لتعزيز الوظائف الداعمة للأسرة. كما تحاكي هذه المفاهيم، نظريات علم اجتماع ودراسات الصمود الاجتماعي، وتستخلص أن الأسرة في ظروف الحرب يمكن أن تتحول إلى بيئة توفر الأمن النفسي، و تعزز التماسك العاطفي، والتكيف الفعال، وإعادة روح الأمل الاجتماعي، مما يجعلها تلعب دوراً مهماً في الحفاظ على التلاحم الاجتماعي المستمر.

الكلمات المفتاحية: الأسرة، الحرب، الصمود الاجتماعي، السكينة، المودة والرحمة.

تحلیل جامعه‌شناختی کارکردهای حمایتی خانواده در بحران‌های جنگی با تطبیق بر مفاهیم قرآنی

سمیه حاجی اسماعیلی

استادیار پژوهشکده زن و خانواده، قم، ایران.

Email: esmaeili@wfrc.ir

چکیده

جنگ از شدیدترین بحران‌های اجتماعی است که نظم نهادی جامعه و امنیت روانی و اجتماعی افراد را دچار اختلال می‌کند. در چنین شرایطی، خانواده به عنوان نخستین و پایدارترین نهاد اجتماعی، نقش مهمی در حمایت از اعضا و بازسازی انسجام اجتماعی ایفا می‌کند. مسئله اصلی این پژوهش، تبیین این پرسش است که خانواده چگونه می‌تواند در شرایط جنگی کارکردهای حمایتی خود را حفظ و تقویت کند و مفاهیم قرآنی چه نقشی در تبیین این کارکردها دارند.

این پژوهش با روش تحلیل نظری - مفهومی و با رویکردی میان‌رشته‌ای، به بررسی کارکردهای خانواده در بحران‌های جنگی براساس مفاهیم جامعه‌شناختی و آموزه‌های قرآنی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مفاهیم قرآنی مانند سکینه، مودت و رحمت، صبر، تعاون و احسان، چارچوبی معنایی برای تقویت کارکردهای حمایتی خانواده فراهم می‌کنند. این مفاهیم در تعامل با نظریه‌های جامعه‌شناسی خانواده و مطالعات تاب‌آوری اجتماعی، نشان می‌دهند که خانواده در شرایط جنگی می‌تواند به نهادی برای تولید امنیت روانی، انسجام عاطفی، سازگاری فعال و بازتولید امید اجتماعی تبدیل شود و نقش مهمی در حفظ تداوم اجتماعی ایفا کند.

واژگان کلیدی: خانواده، جنگ، تاب‌آوری اجتماعی، سکینه، مودت و رحمت.

مقدمه

جنگ به عنوان یکی از شدیدترین بحران‌های انسانی، نه تنها ساختارهای سیاسی و اقتصادی را متأثر می‌سازد، بلکه بنیان‌های زندگی روزمره و نظم اجتماعی را نیز دستخوش تحول می‌کند. در میان نهادهای اجتماعی، خانواده نخستین و بنیادی‌ترین نهادی است که در معرض پیامدهای جنگ قرار می‌گیرد و در عین حال، بیشترین ظرفیت را برای حمایت، بازسازی و حفظ پایداری اجتماعی داراست.

از منظر جامعه‌شناسی خانواده، جنگ یکی از شدیدترین بحران‌هایی است که می‌تواند ساختار و کارکردهای خانواده را دستخوش تغییر سازد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شرایط جنگی اغلب با پیامدهایی همچون گسست نسبی پیوندهای عاطفی، جابه‌جایی یا بازتعریف نقش‌های جنسیتی، افزایش مسئولیت‌های مراقبتی - به‌ویژه برای زنان - تشدید فقر و ناامنی اقتصادی، و نیز افزایش آسیب‌پذیری‌های روانی و اجتماعی همراه است (Enarson, 2012; South, 2014).

با این حال، ادبیات پژوهشی مرتبط با بحران و تاب‌آوری خانوادگی نشان می‌دهد که خانواده‌ها در بسیاری از موارد صرفاً قربانی این شرایط نیستند، بلکه می‌توانند به واحدهایی فعال برای مدیریت بحران تبدیل شوند. مطالعات انجام‌شده در حوزه تاب‌آوری خانوادگی حاکی از آن است که پیوندهای عاطفی،



حمایت متقابل و معنابخشی مشترک به تجربه‌های دشوار، به خانواده‌ها کمک می‌کند تا در برابر فشارهای شدید پایداری کنند و حتی منابع جدیدی از امید و انسجام اجتماعی را پدید آورند (Walsh, 2016; Bonanno, 2004).

در پژوهش‌های انجام‌شده درباره نهاد خانواده از منظر قرآن کریم، به کارکردهای گوناگون این نهاد اجتماعی توجه شده است. برای نمونه، در مقاله «قرآن و کارکردهای نهاد خانواده»، با بررسی آموزه‌های قرآنی نشان داده شده است که خانواده دارای کارکردهای متنوعی در ابعاد روانی، اجتماعی و اقتصادی است. در این پژوهش، کارکردهای روانی خانواده در دو بعد عاطفی و جنسی، کارکردهای اجتماعی همچون فرزندآوری و تربیت، به‌ویژه تربیت دینی، و نیز کارکردهای اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تحقق این کارکردها نقش مهمی در استحکام و پایداری نهاد خانواده و در نتیجه، ثبات و انسجام اجتماعی ایفا می‌کند.

در پژوهشی دیگر، خادم‌زاده یگانه در مقاله «نگاهی قرآنی به کارکرد نظارتی خانواده»، با رویکردی توصیفی، تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع تفسیری و تربیتی، به بررسی شیوه‌های نظارت در خانواده از منظر قرآن کریم پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نظارت در خانواده در دو سطح بیرونی و درونی قابل تحقق است. نظارت بیرونی عمدتاً بر سازوکارهایی مانند تشویق و تنبیه استوار است، در حالی که نظارت درونی بر تقویت ایمان، خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده تأکید دارد. براساس نتایج این مطالعه، تحقق توأمان این دو نوع

نظارت می‌تواند نقش مؤثری در هدایت رفتار اعضای خانواده، تقویت کارکرد تربیتی آن و تحکیم روابط خانوادگی داشته باشد.

با وجود این، تمرکز بیشتر این پژوهش‌ها بر تبیین کارکردهای تربیتی، اخلاقی و ساختاری خانواده در قرآن کریم بوده و کمتر به نقش این نهاد در مواجهه با بحران‌های اجتماعی گسترده، از جمله شرایط جنگی، پرداخته‌اند. از این رو، بررسی نقش حمایتی خانواده در شرایط بحران با تکیه بر مفاهیم قرآنی می‌تواند به تکمیل ادبیات پژوهشی این حوزه و ارائه تحلیلی جامع‌تر از ظرفیت‌های خانواده در مواجهه با بحران‌های اجتماعی کمک کند.

در این پژوهش، چند مفهوم اساسی نقش محوری دارند. نخست، «تاب‌آوری خانوادگی» که به توانایی خانواده در سازگاری با شرایط بحرانی، حفظ انسجام و بازسازی کارکردهای خود در مواجهه با چالش‌ها و بحران‌ها اشاره دارد (Walsh, 2016). دوم، «حمایت اجتماعی» که به مجموعه روابط و تعاملاتی اطلاق می‌شود که از طریق آن، اعضای خانواده در شرایط دشوار از حمایت‌های عاطفی، روانی و عملی یکدیگر بهره‌مند می‌شوند (Hobfoll et al., 2007).

در کنار این مفاهیم جامعه‌شناختی، مفاهیم قرآنی «سکینه» به معنای آرامش و ثبات درونی، «مودت و رحمت» به معنای پیوند عاطفی و شفقت متقابل، و «تعاون و احسان» به معنای همکاری و نیکوکاری فراتر از تکلیف، به عنوان منابع معنایی و ارزشی تقویت‌کننده روابط حمایتی در خانواده مورد توجه قرار می‌گیرند.



طرح مسئله

جنگ با ایجاد ناامنی گسترده، اختلال در نظم اجتماعی و کاهش کارآمدی نهادهای رسمی، شرایطی را پدید می‌آورد که در آن بسیاری از منابع حمایت اجتماعی با محدودیت یا اختلال مواجه می‌شوند. در چنین وضعیتی، خانواده اغلب به مهم‌ترین نهاد برای تأمین امنیت روانی، عاطفی و حتی اقتصادی افراد تبدیل می‌شود. با وجود این، تبیین دقیق سازوکارهای حمایتی خانواده در شرایط جنگی همچنان نیازمند چارچوبی نظری است که بتواند ابعاد ساختاری، عاطفی و معنایی روابط خانوادگی را به صورت هم‌زمان مورد توجه قرار دهد.

در ادبیات جامعه‌شناسی، مفاهیمی همچون «تاب‌آوری خانوادگی»، «تنظیم هیجانی جمعی» و «پناهگاه اجتماعی» برای تبیین نقش خانواده در مواجهه با بحران‌ها به کار رفته‌اند. با این حال، در جوامعی که منابع معنوی و دینی نقش مهمی در سازمان‌دهی حیات فردی و اجتماعی ایفا می‌کنند، تحلیل این پدیده بدون توجه به چارچوب‌های ارزشی و معنایی دین، تحلیلی ناقص خواهد بود. آموزه‌های قرآنی مرتبط با خانواده، مفاهیمی چون «سکینه»، «مودت»، «رحمت»، «صبر»، «تعاون» و «احسان» را مطرح می‌کنند که می‌توانند به عنوان منابع معنایی و اخلاقی در تقویت روابط حمایتی در خانواده عمل کنند. براین اساس، این پژوهش در پی آن است که با بهره‌گیری از یک چارچوب نظری تلفیقی، متشکل از مفاهیم جامعه‌شناختی و آموزه‌های قرآنی، تبیینی جامع از نقش حمایتی خانواده در شرایط بحران‌های جنگی ارائه دهد.

روش پژوهش در این مطالعه، تحلیل نظری - مفهومی است. در این روش، با بهره‌گیری از منابع مرتبط با جامعه‌شناسی خانواده، مطالعات جنگ و بحران، و نیز آیات و مفاهیم قرآنی مرتبط با خانواده، تلاش شده است چارچوبی تحلیلی برای فهم و تبیین نقش حمایتی خانواده در شرایط جنگی ارائه شود.

تحلیل کارکردهای حمایتی خانواده در بحران‌های جنگی

تبیین نقش خانواده در شرایط جنگی نیازمند چارچوبی نظری است که بتواند ابعاد ساختاری، عاطفی و معنایی روابط خانوادگی را به صورت هم‌زمان مورد توجه قرار دهد. جنگ به عنوان یکی از شدیدترین اشکال بحران اجتماعی، ساختارهای نهادی جامعه را با اختلال مواجه ساخته و بسیاری از سازوکارهای رسمی حمایت اجتماعی را تضعیف یا حتی ناکارآمد می‌کند. در چنین شرایطی، خانواده به عنوان پایدارترین و در دسترس‌ترین نهاد اجتماعی، بخش مهمی از مسئولیت حمایت روانی، عاطفی و اقتصادی اعضای خود را بر عهده می‌گیرد و نقش مؤثری در حفظ انسجام فردی و اجتماعی ایفا می‌کند.

از این رو، فهم کارکردهای خانواده در شرایط جنگ مستلزم بهره‌گیری از مفاهیم جامعه‌شناختی مرتبط با بحران، حمایت اجتماعی و تاب‌آوری در کنار توجه به منابع معنایی و هنجاری‌ای است که می‌توانند رفتارها و روابط خانوادگی را سامان دهند.

بر همین اساس، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی تلفیقی و با پیوند دادن

مفاهیم جامعه‌شناسی خانواده و بحران با آموزه‌های قرآنی مرتبط با خانواده، درصدد ارائه الگویی تحلیلی برای فهم ظرفیت‌های حمایتی خانواده در شرایط جنگی است. بدین منظور، کارکردهای حمایتی خانواده با اتکا به نظریه‌های جامعه‌شناسی خانواده، مطالعات تاب‌آوری و بحران، و نیز مفاهیم قرآنی، در پنج محور اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف. کارکرد آرام‌سازی و تنظیم هیجانی: خانواده به عنوان منبع امنیت روانی

در ادبیات جامعه‌شناسی، خانواده در شرایط بحران معمولاً به عنوان «پناهگاه اجتماعی» شناخته می‌شود. این مفهوم به وضعیتی اشاره دارد که در آن خانواده، به دلیل برخورداری از روابط نزدیک، اعتماد متقابل و پیوندهای عاطفی پایدار، می‌تواند در شرایط تضعیف یا اختلال نهادهای رسمی، کارکردهای حمایتی حیاتی را بر عهده گیرد. در دوره‌های جنگی که ناامنی جانی، بی‌ثباتی اقتصادی و گسست نسبی شبکه‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، خانواده به فضایی تبدیل می‌شود که اعضای آن می‌توانند احساس امنیت، آرامش و ثبات روانی خود را بازسازی کنند.

این کارکرد با مفهوم «تاب‌آوری خانوادگی» ارتباطی مستقیم دارد. تاب‌آوری خانوادگی به مجموعه‌ای از فرایندهای تعاملی، شناختی و عاطفی اشاره دارد که از طریق آن‌ها خانواده قادر است فشارهای شدید ناشی از بحران را مدیریت کرده، با شرایط جدید سازگار شود و در عین حال انسجام درونی خود را حفظ نماید. در

این فرایند، اعضای خانواده از طریق حمایت متقابل، تقسیم مسئولیت‌ها و معنابخشی به تجربه‌های دشوار، زمینه عبور موفق از بحران را فراهم می‌سازند (Walsh, 2020).

یکی از سازوکارهای مهم در تحقق این کارکرد، «تنظیم هیجانی جمعی» است. برخلاف رویکردهای فردمحور به سلامت روان، پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهد که در شرایط تهدیدهای گسترده، تنظیم هیجان‌ها بیش از آنکه فرایندی فردی باشد، در بستر روابط نزدیک و جمعی، به‌ویژه در محیط خانواده، شکل می‌گیرد (Bonanno, 2004; Hobfoll et al., 2007). خانواده از طریق همدلی، حمایت عاطفی، گفت‌وگو و تقویت احساس تعلق، می‌تواند اضطراب، ترس و سوگ ناشی از جنگ را تعدیل کرده و به بازسازی تعادل روانی اعضای خود کمک کند.

مطالعات روان‌شناسی بحران نشان داده‌اند که خانواده مهم‌ترین بستر تنظیم هیجانی در شرایط تنش و فشار شدید روانی است (Walsh, 2016). در شرایط جنگ، ترس، سوگ جمعی، اضطراب و احساس ناامنی وجودی، سلامت روان افراد را به‌طور مستقیم تهدید می‌کند (Hobfoll et al., 2007). در چنین وضعیتی، خانواده از طریق الگوهای ارتباطی مؤثر، حمایت عاطفی و تقویت احساس تعلق، به تعدیل هیجان‌های منفی کمک کرده و احساس «قابلیت بقا»^۱ را در اعضای

1. survival efficacy

ادراک فرد از توانایی خود و اعضای خانواده برای ادامه حیات، سازگاری و عبور موفق از شرایط تهدیدآمیز و بحرانی.



خود تقویت می‌کند.

در چارچوب آموزه‌های قرآنی نیز خانواده به عنوان بستری برای آرامش و امنیت روانی معرفی شده است. قرآن کریم در تبیین فلسفه شکل‌گیری پیوند زناشویی می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱). مفسران این آیه را ناظر به کارکرد آرامش‌بخش و اطمینان‌آفرین خانواده دانسته‌اند. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، «سکون» را آرامشی می‌داند که انسان در پرتو پیوند زناشویی از اضطراب‌ها و ناآرامی‌های زندگی به دست می‌آورد و آن را یکی از اهداف اساسی تشکیل خانواده معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶). همچنین مکارم شیرازی، سکینه را آرامش روحی و روانی حاصل از پیوند عاطفی میان زن و مرد دانسته و آن را عامل تعادل روانی و ثبات زندگی خانوادگی می‌شمارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۹۱).

افزون بر این، قرآن کریم در موارد متعددی از نزول «سکینه» در شرایط دشوار، تهدید و اضطراب یاد می‌کند (فتح: ۴). به اعتقاد طباطبایی، سکینه حالتی از آرامش، اطمینان و ثبات قلبی است که خداوند در شرایط ناامنی و آشفتگی روانی به مؤمنان عطا می‌کند و آنان را قادر می‌سازد بر ترس‌ها و اضطراب‌های خود غلبه کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۲۶۹). از این منظر، سکینه را می‌توان منبعی معنایی برای تنظیم هیجانی دانست که در بستر روابط خانوادگی، زمینه‌ساز تولید احساس امنیت و آرامش روانی را فراهم می‌آورد.

این برداشت با یافته‌های روان‌شناسی معناگرا نیز همخوانی دارد؛ یافته‌هایی که نشان می‌دهد چارچوب‌های معنایی مشترک و باورهای بنیادین، نقش مهمی در کاهش آسیب‌های روانی ناشی از بحران‌ها ایفا می‌کنند (Park, 2010). براین اساس، می‌توان استدلال کرد که «سکینه» در چارچوب نظری پژوهش حاضر، ستون معنوی تنظیم هیجانی جمعی به شمار می‌آید و خانواده را به پناهگاهی روانی برای مقابله با فشارها و تنش‌های ناشی از جنگ تبدیل می‌کند.

ب. کارکرد انسجام‌بخشی: خانواده به عنوان حافظ ثبات عاطفی و تعهدات متقابل

در شرایط جنگ، بسیاری از شبکه‌های اجتماعی دچار اختلال یا گسست می‌شوند و روابط اجتماعی تا حدی به سمت فردگرایی معطوف به بقا سوق می‌یابند (Calhoun, 2010). در چنین وضعیتی، خانواده نهادی است که با بازتولید انسجام عاطفی و تعهدات متقابل، نقش مهمی در حفظ پایداری روانی و اجتماعی اعضا ایفا می‌کند. کارکرد انسجام‌بخش خانواده بر دو سازوکار اساسی استوار است. نخست، پیوندهای عاطفی پایدار که به عنوان زیرساخت اصلی انسجام در شرایط فشار، ناامنی و بحران شناخته می‌شوند و پژوهش‌های کلاسیک خانواده آن‌ها را مهم‌ترین عامل حفظ همبستگی در شرایط بحرانی دانسته‌اند (Bengtson, 2001). دوم، هنجارهای درونی شده مسئولیت‌پذیری، تعهد و مراقبت متقابل که موجب می‌شوند فشارهای روانی، اقتصادی و مراقبتی ناشی از بحران، به جای آنکه فرد متمرکز شود، میان اعضای خانواده



توزیع گردد. این سازوکار از مهم‌ترین مکانیسم‌های سازگاری جمعی خانواده در شرایط بی‌ثباتی به شمار می‌رود (Cherlin, 2012).

در آموزه‌های قرآنی، این سازوکارهای انسجام‌بخش در قالب مفاهیم «مودت» و «رحمت» تبیین شده‌اند. قرآن کریم پیوند زناشویی را برپایه مودت و رحمت معرفی می‌کند: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱). مفسران قرآن، مودت را محبتی پایدار و عمیق دانسته‌اند که رابطه همسران را از سطح یک پیوند صرفاً قراردادی فراتر می‌برد. علامه طباطبایی مودت را نوعی محبت قلبی همراه با پیوندی عاطفی و پایدار می‌داند که بنیان روابط خانوادگی را شکل می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶). ایشان همچنین رحمت را دلسوزی، شفقت و توجه متقابل میان اعضای خانواده معرفی می‌کند؛ عاملی که سبب می‌شود افراد در هنگام نیاز، ضعف یا آسیب‌پذیری، به یاری یکدیگر بشتابند (همان).

مکارم شیرازی نیز در تفسیر این آیه تأکید می‌کند که مودت و رحمت دو رکن مکمل در پایداری خانواده هستند؛ مودت، پیوند عاطفی و احساس تعلق را ایجاد می‌کند و رحمت، استمرار حمایت، گذشت و فداکاری را در روابط خانوادگی تضمین می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۹۲).

براین اساس، ساختار عاطفی خانواده در قرآن بر شبکه‌ای از محبت، شفقت و مسئولیت‌پذیری متقابل استوار است؛ شبکه‌ای که در شرایط بحران می‌تواند به تقویت همبستگی خانوادگی و افزایش توان تحمل فشارهای مشترک بینجامد.

پژوهش‌های حوزه دین و سلامت نیز نشان داده‌اند که هنجارهای معنوی مبتنی بر محبت، دلسوزی و شفقت، نقش مهمی در حفظ انسجام خانواده و سازگاری آن با شرایط بحرانی ایفا می‌کنند (Pargament, 2013). از این رو، می‌توان استدلال کرد که «مودت» و «رحمت» در چارچوب نظری این پژوهش، بنیان‌های کارکرد انسجام‌بخش خانواده را تشکیل می‌دهند و در شرایط جنگی، ظرفیت خانواده را برای حفظ ثبات عاطفی و مقاومت جمعی افزایش می‌دهند.

پ. کارکرد تاب‌آوری: خانواده به عنوان نظام سازگاری فعال در بحران

تاب‌آوری خانوادگی در ادبیات علمی، فرایندی پویا و چندسطحی است که خانواده را قادر می‌سازد در برابر فشارها و تنش‌های شدید پایداری کند، با شرایط جدید سازگار شود و حتی به رشد و تحول دست یابد (Walsh, 2020). این ظرفیت، از مجموعه‌ای از عوامل ساختاری، عاطفی و شناختی شکل می‌گیرد؛ عواملی که از یک سوشال بازتوزیع نقش‌ها و حمایت عملی میان اعضا و از سوی دیگر متضمن معنابخشی به تجربه‌های دشوار و مدیریت شناختی بحران هستند.

در شرایط جنگی، تاب‌آوری خانوادگی از طریق سه سازوکار اساسی فعال می‌شود. نخست، «معنابخشی به رنج» است؛ فرایندی که طی آن اعضای خانواده با تفسیر بحران در قالب روایت‌های مشترک، ارزش‌های اخلاقی و چارچوب‌های معنایی معنادار، از شدت پریشانی روانی کاسته و تجربه رنج را



قابل تحمل ترمی سازند (Park, 2010). دوم، «بازآرایی نقش‌ها» است که به جابه‌جایی انعطاف‌پذیر نقش‌های جنسیتی و بین‌نسلی برای حفظ تداوم کارکردهای ضروری خانواده در شرایط بی‌ثباتی اشاره دارد (South, 2014). سوم، «تقویت راهبردهای حل مسئله» است که از طریق هماهنگی عملی اعضای خانواده برای مدیریت کمبود منابع، مقابله با تهدیدهای محیطی و پاسخ‌گویی به نیازهای فوری شکل می‌گیرد و زمینه سازگاری مؤثر با شرایط جنگی را فراهم می‌آورد.

در نظام معنایی قرآن، یکی از مفاهیمی که می‌تواند پشتوانه فرهنگی و معنوی چنین فرایندی باشد، مفهوم «صبر» است. قرآن کریم در آیات متعددی صبر را به‌عنوان راهبردی برای مواجهه با دشواری‌ها معرفی می‌کند: «وَلَيَبْلُوَنَّكُم بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ... وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، صبر را نوعی استقامت آگاهانه در برابر دشواری‌ها می‌داند که از فروپاشی روانی و رفتاری انسان در مواجهه با بحران جلوگیری می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۵۵). مکارم شیرازی نیز صبر را عاملی برای حفظ تعادل روحی و تداوم تلاش در شرایط سخت معرفی کرده و آن را از مهم‌ترین عوامل توانمندساز مؤمنان در رویارویی با مشکلات می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۴۰).

قرآن کریم در آیات دیگری نیز صبر را در پیوند با موقعیت‌های دشوار اجتماعی و حتی میدان‌های نبرد مطرح می‌کند (انفال: ۶۵-۶۶). مفسران این آیات را ناظر به نوعی پایداری فعال و آگاهانه دانسته‌اند که با امید و اعتماد به یاری خداوند

همراه است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۹۴). از این منظر، صبر را می‌توان به عنوان منبعی فرهنگی و معنوی برای تقویت تاب‌آوری خانوادگی در نظر گرفت؛ مفهومی که به اعضای خانواده کمک می‌کند تجربه‌های دشوار را در چارچوبی معنادار تفسیر کرده و توانایی خود را برای تحمل فشارهای روانی، سازگاری با شرایط جدید و حفظ انسجام خانوادگی افزایش دهند.

این برداشت با یافته‌های پژوهش‌های روان‌شناسی مثبت‌گرا نیز همخوانی دارد؛ پژوهش‌هایی که امید و بردباری را از مهم‌ترین عوامل ارتقای تاب‌آوری در شرایط بحران معرفی کرده‌اند (Snyder, 2002). براین اساس، مفهوم قرآنی صبر، با نظریه‌های علمی تاب‌آوری انطباق کامل دارد.

ج. کارکرد حمایتی - مراقبتی: خانواده به عنوان شبکه کمک‌رسانی در شرایط فقدان منابع

جنگ معمولاً نظام‌های حمایتی دولتی و نهادهای رسمی رفاه اجتماعی را با اختلال یا کاهش کارآمدی مواجه می‌سازد. در چنین شرایطی، خانواده به مهم‌ترین کانون تأمین نیازهای اساسی اعضا تبدیل می‌شود. مطالعات جامعه‌شناختی مرتبط با جنگ و بحران در کشورهای مختلف نشان داده است که خانواده، به‌ویژه از طریق شبکه‌های خویشاوندی، اصلی‌ترین نظام حمایت غیررسمی را شکل می‌دهد و در غیاب خدمات نهادی، وظیفه مراقبت از کودکان، سالمندان، بیماران و آسیب‌دیدگان را برعهده می‌گیرد (Summerfield, 1999).



در آموزه‌های قرآنی، این نوع از حمایت و مراقبت متقابل با مفاهیمی همچون «تعاون» و «احسان» تبیین شده است. قرآن کریم مؤمنان را به همکاری در مسیر خیر و تقوا فراخوانده و می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده: ۲). مفسران این آیه را بیانگر اصل فراگیر همکاری اجتماعی در امور خیر دانسته‌اند. علامه طباطبایی تعاون را همکاری متقابل انسان‌ها در جهت تحقق خیر عمومی و مصالح اجتماعی می‌داند و معتقد است دامنه این اصل همه عرصه‌های زندگی، از جمله روابط خانوادگی، را در بر می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۸۷). آیت الله مکارم شیرازی نیز تعاون را از ارکان بنیادین حیات اجتماعی در اسلام معرفی می‌کند و بر این باور است که بدون همکاری و یاری متقابل، تحقق همبستگی اجتماعی و عدالت امکان‌پذیر نخواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۷۴).

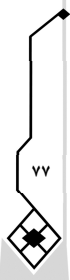
در کنار تعاون، قرآن کریم بر اصل «احسان» نیز تأکید می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰). مفسران احسان را رفتاری فراتر از عدالت دانسته‌اند؛ به این معنا که انسان علاوه بر انجام وظایف و حقوق متقابل، با نیکی، گذشت و فداکاری در حق دیگران عمل کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۳۴۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۶۹). همچنین قرآن در آیه ۳۶ سوره نساء بر احسان نسبت به خویشان و نزدیکان تأکید می‌کند که بیانگر اهمیت حمایت و مسئولیت‌پذیری متقابل در روابط خانوادگی است. بر این اساس، تعاون و احسان دو سازوکار اخلاقی مهم در تقویت شبکه حمایتی خانواده به شمار

می‌آیند و می‌توانند در شرایط بحران، زمینه مراقبت از اعضای آسیب‌پذیر و حفظ انسجام خانوادگی را فراهم سازند. این برداشت با دیدگاه‌های جامعه‌شناختی درباره سرمایه اجتماعی نیز همخوانی دارد؛ زیرا هنجارهای همکاری و نیکوکاری از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی مؤثر در شرایط بحرانی محسوب می‌شوند (Putnam, 2001).

د. کارکرد محافظت از نسل و بازتولید امید اجتماعی

حفاظت از نسل - در معنای مراقبت زیستی، روانی و ارزشی از کودکان و نوجوانان - یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده در شرایط جنگی است. پژوهش‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که کودکان از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها در بحران‌های جنگی هستند و خانواده نخستین نهاد مسئول حفظ امنیت، ثبات روانی و تداوم فرایند جامعه‌پذیری آنان به شمار می‌آید (Elder, 1998).

این نقش در چند سطح قابل تبیین است. نخست، حمایت روانی و عاطفی که از طریق ایجاد پیوندهای ایمن و کاهش آثار اضطراب، ترس و ناامنی ناشی از جنگ بر رشد کودکان تحقق می‌یابد. دوم، معنابخشی به تجربه‌های دشوار که به کودکان کمک می‌کند وقایع بحرانی را در چارچوبی قابل فهم و قابل تحمل تفسیر کنند. سوم، تأمین امنیت نسبی جسمی، اخلاقی و تربیتی که از بروز گسست‌های هویتی و رفتاری جلوگیری می‌کند. چهارم، انتقال ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای فرهنگی که استمرار هویت اجتماعی و اخلاقی جامعه را حتی در شرایط تضعیف



نهادهای رسمی تضمین می‌نماید.

در آموزه‌های قرآنی نیز توجه به آینده نسل و حمایت از کودکان جایگاه ویژه‌ای دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ ضَعْفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ...» (نساء: ۹). مفسران این آیه را ناظر به مسئولیت انسان‌ها در قبال آینده فرزندان و نسل‌های بعدی دانسته‌اند. علامه طباطبایی آن را تأکیدی بر رعایت مصالح نسل آینده و پرهیز از هرگونه زمینه‌سازی برای آسیب‌پذیری آنان می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۶۵). مکارم شیرازی نیز این آیه را بیانگر مسئولیت والدین و جامعه در فراهم ساختن زمینه رشد و امنیت نسل آینده معرفی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۴۲).

همچنین قرآن درباره حمایت از کودکان آسیب‌پذیر می‌فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ» (بقره: ۲۲۰). مفسران این آیه را دلیلی بر اهمیت اصلاح امور و حمایت از کودکان بی‌سرپرست و آسیب‌دیده دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۶۷). از این منظر، خانواده در شرایط جنگی نه تنها وظیفه حفاظت از نسل را بر عهده دارد، بلکه با انتقال ارزش‌ها، حفظ امید و فراهم ساختن افق آینده، به تداوم اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که خانواده در شرایط جنگی یکی از مهم‌ترین

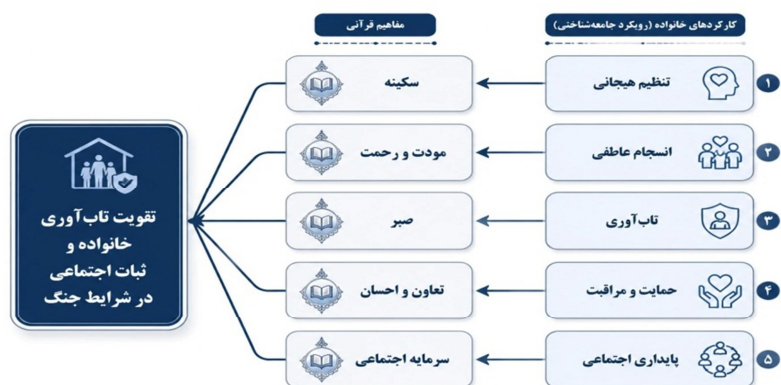
نهادهای اجتماعی برای حفظ ثبات روانی، انسجام عاطفی و تداوم حیات اجتماعی است. بررسی کارکردهای خانواده بیانگر آن است که این نهاد از طریق سازوکارهایی مانند تنظیم هیجانی، تقویت پیوندهای عاطفی، بازآرایی نقش‌ها، حمایت اخلاقی - عملی متقابل و حفاظت از نسل، به کاهش آثار بحران، افزایش تاب‌آوری و جلوگیری از گسست روابط اجتماعی کمک می‌کند.

تحلیل مفاهیم قرآنی نیز نشان داد که مفاهیمی همچون سکینه، مودت و رحمت، صبر، تعاون و احسان، ظرفیت تبیین‌گری بالایی در فهم کارکردهای حمایتی خانواده دارند. این مفاهیم علاوه بر جایگاه ارزشی و اخلاقی، می‌توانند به عنوان چارچوبی تحلیلی برای تبیین سازوکارهای پایداری خانواده در شرایط بحرانی مورد استفاده قرار گیرند. پیوند این آموزه‌ها با ادبیات جامعه‌شناسی خانواده، جنگ و تاب‌آوری اجتماعی، امکان ارائه نگاهی جامع‌تر به نقش خانواده در مواجهه با بحران‌های جنگی را فراهم می‌سازد.

براین اساس، خانواده را می‌توان مهم‌ترین کانون تولید امنیت روانی، حمایت اجتماعی و امید به آینده در شرایط جنگ دانست؛ نهادی که با بهره‌گیری از سرمایه‌های عاطفی و معنوی، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ انسجام اجتماعی و استمرار حیات فرهنگی جامعه ایفا می‌کند. از این منظر، تلفیق مفاهیم قرآنی با رویکردهای علوم اجتماعی، ظرفیت مناسبی برای تبیین عمیق‌تر کارکردهای خانواده در بحران‌های جنگی فراهم می‌آورد.

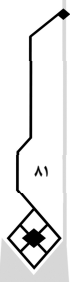


الگوی مفهومی کارکردهای خانواده در شرایط جنگ



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن* (ترجمه و تحقیق: سید محمد باقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
4. Bengtson, Vern L. (2001). *Beyond the Nuclear Family: The Increasing Importance of Multigenerational Bonds*. Journal of Marriage and Family. 63(1).
5. Bonanno, George A. (2004). *Loss, Trauma, and Human Resilience: Have We Underestimated the Human Capacity to Thrive After Extremely Aversive Events?*. American Psychologist. 59(1).
6. Calhoun, Craig (2010). *The Idea of Emergency: Humanitarianism and Governance*. In Didier Fassin & Mariella Pandolfi (Eds.). *Contemporary States of Emergency*. New York: Zone Books.
7. Cherlin, Andrew J. (2012). *Public and Private Families: An Introduction* (7th ed.). New York: McGraw-Hill.
8. Elder, Glen H. (1998). *The Life Course and Human Development*. In William Damon & Richard Lerner (Eds.). *Handbook of Child*



Psychology. New York: Wiley.

9. Enarson, Elaine (2012). *Women Confronting Natural Disaster: From Vulnerability to Resilience*. Boulder, CO: Lynne Rienner Publishers.
10. Hobfoll, Stevan E., Watson, Patricia, Bell, Carl C., et al. (2007). *Five Essential Elements of Immediate and Mid-Term Mass Trauma Intervention: Empirical Evidence*. *Psychiatry*. 70(4).
11. Pargament, Kenneth I. (2013). *APA Handbook of Psychology, Religion and Spirituality* (Vols. 1–2). Washington, DC: American Psychological Association.
12. Park, Crystal L. (2010). *Making Sense of the Meaning Literature: An Integrative Review of Meaning Making and Its Effects on Adjustment to Stressful Life Events*. *Psychological Bulletin*, 136(2).
13. Putnam, Robert D. (2001). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon & Schuster.
14. South, Scott J. (2014). *Family Change and Variation in Post-Disaster Settings*. *Journal of Family Theory & Review*, 6(3).
15. Summerfield, Derek (1999). *A Critique of Seven Assumptions Behind Psychological Trauma Programmes in War-Affected Areas*. *Social Science & Medicine*, 48(10).

16. Snyder, Charles R. (2002). *Hope Theory: Rainbows in the Mind*. Psychological Inquiry, 13(4).
17. Walsh, Froma (2016). *Strengthening Family Resilience* (3rd ed.). New York: Guilford Press.
18. Walsh, Froma (2020). *Family Resilience: A Developmental Systems Framework*. European Journal of Developmental Psychology, 17(6).

